



تجزیه و تحلیل بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه (مطالعه موردی غرب آسیا)

بیژن میرزایی^۱، سیاوش بیات^۲، سجاد سلطانی رضایی سیر^۳

چکیده

مطالعه بحران‌ها و تجزیه و تحلیل شیوه‌های تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و سیاست‌ورزی در رابطه با آن‌ها در نظام پیچیده و در حال گذار بین‌المللی از جهات گوناگون قابل اهمیت است. درک و شناخت، ریشه‌ها، علل و عوامل متعدد بروز و بسط بحران‌ها، تبعات و پیامدهای آن از یک سو و همچنین آگاهی نسبت راه‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مواجهه با بحران‌ها و تنش‌ها، فهم و آگاهی جامع‌تری از محیط آنارشیک نظام بین‌الملل فراهم می‌سازد و می‌تواند در جهت جلوگیری از بروز و به حداقل رساندن آثار منفی و مخرب بحران‌ها به مایاری رساند. امروزه محیط پرتنش، بحران‌زا و امنیتی خاورمیانه منعکس‌کننده مجموعه‌ای از پدیده‌های متعارض است، نهادهای سیاسی تثبیت شده در سی‌ویک کشور خاورمیانه حکومت‌هایی را تاسیس کرده که هر کدام طریق گوناگونی را در جهت رسیدن به آرمان‌های دولتمردان و شهروندان خود دنبال می‌نمایند. در این راستا، نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که «بحران‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا تحت تأثیر چه عواملی است؟» روش بکارگرفته در این پژوهش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی و شیوه‌ی گردآوری منابع کتابخانه‌ای است که با استفاده از فیش برداری از کتاب‌ها، مقالات و غیره است. از این رو یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بحران‌های ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا تحت تأثیر شاخص‌های مثل؛ رقابت‌های بازیگران درون منطقه‌ای، بحران‌های سرزمینی، بحران‌های آبی و بحران‌های قومی-مذهبی می‌باشند.

واژگان کلیدی: بحران، ژئوپلیتیک، خاورمیانه، غرب آسیا، بحران‌های قومی-مذهبی.

۱- استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، لرستان، ایران (نویسنده مسئول)

bizan-mirzaee@khoiau.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی/گرایش آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران



مقدمه

تاریخ زیست بشر از آغاز تا کنون تاریخ روایتگر تنش ها و مناقشات در طول حیات بشری نیز بوده است. این تنش ها و مناقشات اگر چه در جوامع اولیه و بدوی وسعت کمتری داشته است، ولی در عصر مدرن با بسط فناوری و تکنولوژی های نوین همچنین رشد روز افزون مخاصمات مسلحانه در سراسر پهنه گیتی و آثار سوء این رفتارهای خصمانه و پر تنش به صلح و امنیت جهانی منجر شده تا توجه همگان به این مقوله جلب شود. چنانچه زمانی صرفاً بروز مخاصمات مسلحانه تهدیدی علیه صلح یا نقض صلح به شمار می رفت، در اکنونیت تاریخ کشتار جمعی، پاکسازی قومی، تروریسم، افراط گرایی مذهبی، بحران های قومی و مذهبی، رقابت های تنش آمیز منطقه ای و جهانی صلح و امنیت بین المللی را تهدید می کنند (ذکی و پاشالو، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

در این میان خاورمیانه به عنوان یک منطقه نفت خیز همواره مورد توجه ویژه قدرت های فرامنطقه ای بوده است و اساساً این رویکرد پس از جنگ جهانی دوم شکل جدی تری به خود گرفت. امروزه این منطقه به واسطه موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی خود صحنه نوینی از نفوذ و مازعه قدرت های بزرگ به شمار می رود. جغرافیدانان نیز توجه بخصوصی به تأثیرات منطقه خاورمیانه بر قدرت های دنیا داشته اند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴۶). مکیندر این مسئله را در نظریه معروف خود تحت عنوان هارتلند «قلب جهان»، اسپایکمن یکی دیگر از جغرافیدانان در نظریه ریملند «سرزمین حاشیه ای در جریان جنگ جهانی دوم» و اندیشمند دیگری به نام اس. بی. کوهن نیز طرح کمر بند شکننده خاورمیانه را مطرح نمود. در نظریه وی کمر بند شکننده بدین صورت تعریف شده است؛ یک منطقه وسیع با موقعیت استراتژیک و... اشغال شده توسط دولت های در حاشیه کشمکش که بین منافع متضاد قدرت های بزرگ گیر کرده است (درایسدول و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۷).

رفتار سیاسی یک کشور در عرصه فرامرزی و جهانی، برگرفته از ژئوپلیتیک و اهداف معطوف به آن است. امروزه کشورهای دنیا تلاش می کنند با بهره گیری از عوامل ژئوپلیتیکی و سایر عوامل مؤثر بر قدرت ملی نسبت به اتخاذ سیاستگذاری های مناسب در راستای پیشرفت همه جانبه، اقدام

نمایند. با توجه به تغییرات موجود در نظام بین‌الملل، ایران نیز همگام با سیاست‌های جهانی، درصدد بازتعریف سیاست و تبیین نقش و جایگاه منطقه‌ای و بین‌الملل خود است. بدون شک حفظ و ارتقای چنین جایگاه، تنها با ارائه هدف جدید و واگذاری به پارادایم جدید، یعنی دسترسی به یک قدرت منطقه‌ای، امکانپذیر است (محرابی و عباسیان، ۱۳۹۹: ۹۰). منطقه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خاورمیانه همواره یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان بوده و تحولات درون این منطقه همواره معادلات را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴۷).

تجارب مختلف بین‌المللی مانند جنگ اول و دوم خلیج فارس، بحران افغانستان و عراق، بحران لیبی، بحران سوریه و... همچنین مناقشات سرزمینی مانند ادعای دولت‌ها در مورد سرزمین دیگر دولت‌های این منطقه و آبی، منازعات قومی، مذهبی و رقابت‌های درون منطقه‌ای اشاره نمود. بنابراین با توجه به نقش مهم شناخت و درک عوامل ایجاد بحران‌های ژئوپلیتیکی در جهت‌دهی به سیاست خارجی و تأمین منافع و اهداف ملی؛ نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که «بحران‌های ژئوپلیتیکی ژئوپلیتیکی در غرب آسیا تحت تأثیر چه عواملی است؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بحران‌های ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا تحت تأثیر عوامل مهمی چون رقابت بازیگران درون منطقه‌ای، بحران‌های سرزمینی، بحران‌های آبی و بحران‌های قومی-مذهبی می‌باشد.

تعاریف مفاهیم

ژئوپلیتیک (Geopolitics)

ژئوپلیتیک مرکب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پلیتیک» به معنای سیاست است. در فارسی، معادل‌هایی همانند «سیاست جغرافیایی»، «علم سیاست جغرافیایی» و «جغرافیا-سیاست‌شناسی» برای آن ذکر شده است. در انگلیسی، به آن «جیوپالیتیکس» اطلاق شده است و در فرانسوی در اصطلاح، ژئوپلیتیک رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی است که هدف آن تبیین و پیش‌گویی رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی برحسب محیط طبیعی است. بنابراین، ژئوپلیتیک با تفاوت مراتب، بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در وقایع سیاسی و تاریخی است. ژئوپلیتیک عبارت



است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان و نیز شیوه قرائت و نگارش سیاست بین الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی (منتظران، ۱۳۹۵: ۲۰۱). در یکی از جامع‌ترین تعاریف، می‌توان ژئوپلیتیک را علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر دانست (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). سائول برنارد کوهن ژئوپولیتیسین آمریکایی، در تعریف ژئوپلیتیک می‌نویسد: «ژئوپلیتیک به عنوان تحلیل تعامل میان زمینه‌های جغرافیایی و دیدگاه‌های مرتبط با آن از یک سو و فرایندهای سیاسی از سوی دیگر تعریف می‌شود». پیتر تیلور (Peter Tylor) می‌گوید: «ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی» (گل کرمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰). ژئوپلیتیک درباره چگونگی تأثیر عوامل جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و تلاش برای سلطه جهانی بحث می‌کند. همچنین ژئوپلیتیک خوانش و کنش فضایی روابط بین الملل است، به گونه‌ای که سیاست جهانی، منطقه‌ای و محلی بعد ژئوپلیتیک داشته باشند (رئسی‌نژاد، ۲۷۲: ۱۴۰۲).

چنین رویکردی زیرساخت فکری جنگ‌های منطقه‌ای آمریکا در حوزه‌های مختلف جغرافیایی از جمله آسیای جنوب غربی را منعکس می‌سازد. هرگاه رهبران کشوری انگیزه‌های گسترده‌ای برای کاربرد قدرت نظامی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی داشته باشند، طبیعی است که مقاومت در برابر آنان شکل می‌گیرد. به همین دلیل است که در هندسه جدید نظام جهانی، در برابر اقدامات ابزاری آمریکا به عنوان محور نظام سلطه، نیروهای سیاسی، اجتماعی و هویتی متنوعی شکل گرفته است (متقی، ۱۳۹۴/۰۸/۲۴).

تقویت گفتمان «مقاومت» در یک کشور پس از جنگ تحمیلی و تکثیر آن بعد از موج جدید بیداری اسلامی نیز نشانگر آن است که نظام بین الملل در حال تغییر و تحول عمده‌ای است. این پیچ یک معارضه جدی بین گفتمان مقاومت (انقلاب اسلامی) به زعامت ایران با گفتمان سلطه (لیبرال دموکراسی) به رهبری آمریکا است (دهقانی، ۱۳۸۴: ۵۸). سه رویداد بزرگ در ابتدای قرن بیست و یکم، ژئوپلیتیک منطقه را با تغییرات بسیار زیادی مواجه کرده و نقش ایران را در معادلات

این منطقه بسیار پررنگ کرده و دورنمای ژئوپلیتیک منطقه و همچنین ژئوپلیتیک دنیای اسلام و ژئوپلیتیک شیعه را بسیار ایرانیزه نموده است. به طوری که می‌توان ادعا کرد که توازن قدرت در این منطقه در حالی که چرخش به سمت ایران است. این سه رویداد عبارتند از: الف) سقوط صدام؛ ب) جنگ سی‌وسه روزه؛ ج) انقلاب در کشورهای عربی. با از میان رفتن دو سد سنی در برابر نفوذ ایران، یعنی صدام حسین و حسنی مبارک، ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری فرصت یافته است بدون دغدغه‌های قبل به بسط حوزه نفوذ خود در منطقه تلاش کند (نادری، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

از این رو، با این که قدرت باسیاست آمیخته بوده و در آن پنهان است، جهت تأکید بر عامل قدرت در مباحث ژئوپلیتیکی، ژئوپلیتیک را می‌توان در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین نمود که در آن سه عنصر اصلی؛ یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی هستند. عواملی که در ژئوپلیتیک مؤثرند به دودسته کلی، ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند. عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر که ممکن است برخی از آن‌ها نیز منشأ طبیعی داشته باشند و موقعیت جغرافیایی در بین عوامل متغیر، نقش دو قطب اصلی را در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی ایفا می‌کنند. بنابراین ماهیت اصلی ژئوپلیتیک، سیاسی - امنیتی است، با این حال، از بعد اقتصادی هم نمی‌توان غافل شد؛ به همین دلیل است که ژئوپلیتیک را نمی‌توان از ژئواکونومی جدا انگاشت (Pascal & Tual، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

ژئوپلیتیک عنوانی پرکاربرد است. نویسندگان، ناظران و دست‌اندرکاران سیاست بین‌الملل به طور مداوم این عنوان را برای شرح، توصیف یا تحلیل بحث‌های خاص سیاست خارجی به کار می‌برند (sepma, 2002: 3). معنی کردن ژئوپلیتیک با یک معنی ویژه، کاری بس مشکل است زیرا معنی مفاهیمی نظیر ژئوپلیتیک تمایل به تغییر و تحول دارند همان‌طور که دوره‌های تاریخی و ساختارهای نظم جهان تحول می‌یابند (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۲۰). تعاریف متعددی توسط دانشمندان جغرافیای سیاسی از مفهوم و ماهیت علم ژئوپلیتیک شده است، در یک بیان روشن می‌توان آن را این گونه تعریف نمود: «ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی چون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی و



هوایی)، وسایل ارتباطات جمعی و... را در تصمیم‌گیری سیاسی، به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی بررسی می‌کند (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸). همچنین ژئوپلیتیک شارح محیط‌های سیاسی - جغرافیایی و ارتباط آن‌ها با قدرت سیاسی و تنظیم فضایی چهارچوب واحدهای قدرت سیاسی مانند نیم کره‌ها، اقیانوس‌ها، سرزمین‌ها و مرزهای دریایی، منابع طبیعی و فرهنگ است. بر این اساس، ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعات مربوط به سیاست بین‌الملل، براساس عوامل و پدیده‌های جغرافیایی (محرابی، ۱۳۹۵: ۸۶). جونز (Jones) معتقد است ژئوپلیتیک مطالعه جهان سیاسی است با مفاهیمی همچون سیاست، فضا، مکان و قلمرو ادغام‌شده است و زمینه‌های مختلف با فعل و انفعالات گوناگون دارد (صالح آبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۸).

بحران و ویژگی‌های آن

تحلیل معنایی واژه بحران، گستردگی معنای آن را می‌رساند. فرهنگ آریان پور واژه Crisis را بحران، شور، سرگشتگی، نقطه عطف، سختی و پریشان حالی معنا کرده است. (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۶).

بحران، رویدادی است که به طور طبیعی یا به وسیله بشر به طور ناگهانی یا به صورت فزاینده به وجود آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل کند که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات ضروری، اساسی و فوق‌العاده باشد. (Nategh Elahi, 1999: 78) بحران‌ها می‌توانند در زمینه‌های موضوع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ظاهر شوند و علل و عوامل بحران بسیار گوناگون هستند (Vaezi, 2015: 60-62).

اساساً بحران به وضعیتی گفته می‌شود که با وجود تهدید شدید، عدم قطعیت و احساس فوریت همراه است. اغلب مفهوم بحران با وضعیت حاد محیط و اوضاع و احوال غیر طبیعی مانند تشنج اجتماعی، سیاسی، درهم آشفتگی و ضعف امنیت تجسم می‌شود. بحران‌های که در عرصه جهان چه در سطح داخلی کشورها و چه در سطح بین‌المللی شکل گرفته اند، بیشتر ماهیت ژئوپلیتیکی دارند، زیرا فلسفه و منشا بحران‌ها جغرافیایی است و یک ارزش یا یک پدیده با یک عامل جغرافیایی در ایجاد آن به طور مستقیم و غیر مستقیم نقش دارد، بحران‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی

بیشتر در شرایط و مناطقی شکل می‌گیرند که قدرت‌های بزرگ نقش موثری در کنترل حوادث و تحولات آن مناطق دارند (Mosallanejad, 2013: 4).

از دیدگاه ایسکووایرا بحران پنج ویژگی منحصر به فرد دارد:

۱- داشتن شرایط حاد که برای مدتی نامشخص ادامه می‌یابد

۲- منجر به تغییرات رفتاری و سبب آسیب و ناکارآمدی سازمانی و حتی شخصی می‌شود

۳- اهداف افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد

۴- اغلب به معنای درگیر شدن یک بخش در برابر دیگران است

۵- سبب ایجاد تنش و درگیری در دراز مدت می‌شود

همچنین لکسر و پیرسون معتقدند بحران ویژگی‌های دارد مانند ترکیب پیچیده، کنترل محدود،

اطمینان نداشتن در سطح وسیع، اطلاعات محدود و فشارهای زمانی.

از دیدگاهی دیگر وی بر این اعتقاد است که نیز مبهم بودن اثرات ناشناخته و حتی علل آن،

احتمال بروز محدود، حوادث نا آشنا و غیر معمول، نیاز به پاسخ سریع، تهدیدات جدی و

مشکلاتی که نیازمند تصمیماتی هستند که منجر به ایجاد تغییرات مثبت یا منفی می‌شود را از

ویژگی‌های بحران می‌دانند (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۷).

بحران‌های ژئوپلیتیکی و انواع آن

بحران‌های ژئوپلیتیک ریشه در جغرافیا و سیاست دارند که به عنوان مهمترین ویژگی آن‌ها شناخته

می‌شود. اگر چه بحران‌های بین‌المللی، سیاسی یا اقتصادی ممکن است پیامدهای منفی و بازتاب‌های

جهانی داشته باشند. این بحران‌ها با موجودیت کشور در ارتباط نیستند. در حالی که بحران ژئوپلیتیکی

می‌تواند موجودیت یک کشور را تحت تاثیر قرار دهد. (Vali gholizadeh, 2012: 95) لذا بحران

ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های سیاسی و فضایی و بازیگران

سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی، در واقع این بحران نتیجه

درگیری و اختلاف دولت‌ها و گروه‌های سیاسی سازمان یافته برای کنترل و تصرف دو یا چند

ارزش جغرافیایی است (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۸).



انواع بحران را می‌توان به شکل زیر تفکیک نماییم:

۱- بحران ژئوپلیتیک: بحران ژئوپلیتیک ماهیت سیاسی دارد. برای نمود همگانی که استقلال و تمامیت ارضی، وحدت ملی و ارزش‌های اساسی یک کشور را دیگر کشورها مورد حمله قرار می‌دهند، باعث بروز درگیری ژئوپلیتیکی میان ملت‌ها می‌شود. این وضعیت ممکن است به دلیل توانایی نداشتن دولت‌ها در شرایط فعلی منجر به بروز بحران ژئوپلیتیکی شود، ادعاهای سرزمینی و اختلافاتی که در برگیرنده اختلافات مرزی و حاکمیت سرزمینی است به عنوان این نوع بحران شناخته می‌شود که به دلیل ماهیت پویا و مشترک ارزش‌های متضاد مناطق پیرامونی و سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را در بردارد (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۹).

۲- بحران ژئواکونومیک: بحران ژئواکونومیک مرتبط با منافع رقابتی میان کشورها، آرمان‌ها و خواسته‌های اقتصادی آنان است و ظرفیت مناسبی برای ایجاد درگیری و تنش دارد. امروز از یک سو اهمیت مسایل اقتصادی سبب شده است تا اختلافات کشورها درباره منافع راهبردی و ظرفیت اقتصادی افزایش یابد. اختلافات بین‌المللی در مورد منابع اقتصادی بر ثبات اقتصادی و سیاسی منطقه به صورت گسترده‌ای تأثیر می‌گذارد و حتی ممکن است به تغییر الگوی روابط منطقه‌ای و پیدایش وضعیت پیچیده‌تری در منطقه منجر شود. در این زمینه منابع اقتصادی و راهبردی به عنوان شاخص اصلی در تنش سرزمینی و اختلافات و درگیری‌های مدنظر قرار می‌گیرد. بنا بر این مناطقی که ظرفیت‌های اقتصادی بالایی دارند به عنوان مرکز بحران‌های ژئوپلیتیکی و به عنوان مناطق حساس جهانی شناخته می‌شوند (valigholizadeh, 2016).

۳- بحران ژئوکالچر: بحران ژئوکالچر با بحران‌های جغرافیایی مرتبط است که ماهیت فرهنگی دارند. در این زمینه می‌توان به رقابت ملت‌ها و تعارضات آن‌ها در جهت منافع فرهنگی اشاره نماییم. این عوامل جغرافیایی از عوامل ژئوکالچر و اختلافات و درگیری‌های بین‌المللی است. اختلافات باستانی، اختلافات ملی‌گرایی و گرایش‌های فاشیستی، اختلافات بین مذاهب، برخورد ایدئولوژیک و تلاش برای گسترش ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی به نوعی از تعاملات فضایی

کشورهای همسایه با جمعیت ناهمگن منجر می‌شود و به عنوان مهمترین دلیل ایجاد رقابت‌ها و استثمار در مسابقات ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۰).

ژئوپلیتیک کلاسیک خاورمیانه

از جمله مناطق حیاتی و موثر در معادلات ژئوپلیتیکی جهانی، منطقه خاورمیانه است. خاور میانه را مرکز دنیای قدیم می‌دانند، مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس به منزله هارتلند جهانی قرار دارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸۴). سه ویژگی مهم در ساختار سیاسی خاورمیانه عبارت است از:

۱- مسئله فلسطین

۲- اختلافات مرزی زمینی و دریایی گسترده

۳- ساختار سیاسی غیر دموکراتیک، غالب حکومت‌ها در منطقه متعلق به «آل‌ها» یا رژیم‌های کودتایی بوده و ساخت قدرت در این کشورها به شدت اَلیگارشیکی و دیکتاتور مآبانه است (عبدی، ۱۳۹۰).

دلایل اهمیت خاورمیانه

۱- اهمیت سیاسی و امنیتی

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، ایجاد مرزهای تحمیلی برای کشورهای جدید التاسیس، بر اساس مصالح و مطامع قدرت‌های استعماری اروپا که در خاورمیانه حضور داشتند بدون توجه به مسائل قومی، نژادی و مذهبی شکل گرفت. به همین جهت امروزه در خاورمیانه و حتی شمال آفریقا، کشوری را نمی‌توان یافت که به گونه‌ای با یکی از همسایگانش، بر سر منابع آب، نفت، زمین و غیره اختلاف نداشته باشد. همین شکل هر از چند گاهی به رقابت تسلیحاتی دامن می‌زند و در مواردی باعث درگیری و جنگ کوتاه مدت و دراز مدت در خاورمیانه شده است؛ بنابراین، خاورمیانه از نظر سیاسی و امنیتی هم برای مردم منطقه و هم برای کشورهای دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.، منطقه‌ای که بین اروپا، آفریقا و جنوب شرق آسیا واقع شده دارای چند نقطه استراتژیک از جمله تنگه هرمز، تنگه باب المندب و کانال سوئز است، بنابراین تسلط بر این مناطق استراتژیک، مزیت مهم نظامی و استراتژیکی ایجاد خواهد نمود



و همین امر یکی از دلایل مهم چالش دو ابر قدرت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد به شمار می‌رفت.

۲- اهمیت ژئوپلیتیکی

هرچه موقعیت ژئوپلیتیک یک کشور از نظر دارا بودن منابع طبیعی و قرارگیری در یک منطقه استراتژیک حائز اهمیت برای قدرتهای بزرگ، برجسته‌تر باشد، بحران پدیدآمده استعداد بیشتری برای تبدیل شدن به یک بحران بین‌المللی دارد (حضرتی رزالیقی، ۱۴۰۲: ۱۶۱) ژئوپلیتیک به مفهوم درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرده می‌باشد (پاشایی لیلان و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۷۶).

موقعیت جغرافیای خاورمیانه ویژگی‌های به این منطقه داده که همواره سیاست بین‌الملل را تحت تاثیر خود قرار داده است. وجود رودها، دریاها، تنگه‌های متعدد نشانه‌های از اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی این منطقه است که در میان آن‌ها بسفر، داردانل، کانال سوئز و تنگه هرمز و باب المندب جای خاصی دارند، این تنگه‌ها به سان دروازه‌های طبیعی خاورمیانه و شمال آفریقا عمل می‌کنند. (پاشایی لیلان و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۷۶).

۳- اهمیت تاریخی و فرهنگی

خاورمیانه از نظر فرهنگی و تاریخی خاستگاه و زادگاه ادیان بزرگ توحیدی و الهی است. بسیاری از تمدن‌های معروف دیگر نیز در همسایگی خاورمیانه بازشناسی شده اند مانند تمدن‌های چین و هند. از نظر مذهبی شهر بیت المقدس، برای پیروان ادیان الهی یهود، مسیحیت و اسلام، بسیار مقدس و ارزشمند است. علاوه بر این‌ها، خاورمیانه گهواره قانون‌گذاری و دانش‌های فلسفه و ادبیات و... به شمار می‌آید. هنردنیای قدیم ریشه در این منطقه دارد و از این منطقه به سراسر جهان گسترش یافته است. از دیگر مواردی که راجع به اهمیت منطقه خاورمیانه می‌توان اشاره کرد، اهمیت مذهبی، تاریخی و پیوندهای مربوط به آن در این منطقه است که موجبات تحقق رژیونالیسم‌های منطقه ای، مشارکت‌های سیاسی، همکاری‌های اقتصادی را منجر گشته است، لذا

باید گفت که روح پیوند یافته مشترکات مذهبی و ایدئولوژی تاریخی هنوز هم در جو حاکم بر خاورمیانه وجود دارد و یکی از عوامل موثر و تاثیر گذارنده بر سیاست منطقه‌ای کشورها بوده است (<http://www.farsnews.com>).

۴- اهمیت اقتصادی

منطقه خاورمیانه به عنوان کانون انرژی جهان در سراسر قرن بیستم و به گونه‌ای مضاعف در آغاز قرن جدید، نقطه خیزش و ظهور تحولات و بحران‌های متعددی بوده که تاثیرات آنها اغلب از سطوح منطقه‌ای فراتر می‌رفته است. منطقه خاورمیانه به ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم به این سو، به جهت اهمیتی که در اقتصاد جهانی پیدا کرد، بیش از پیش مورد توجه قدرت‌های بزرگ و فرا منطقه‌ای قرار گرفت و آنها را وادار ساخت تا برای حضور و نفوذ در تحولات این منطقه از ابزارهای مختلفی استفاده کنند. (<http://www.farsnews.com>)

بحران‌های سرزمینی (مرزی و آبی)

الف) اختلافات مرزی

اختلاف بر سر کنترل و مالکیت سرزمین و جایگاه دقیق مرز بین‌المللی از مهمترین عوامل معمولی مناقشات بین‌المللی بین دولت‌ها است در یک طبقه بندی کلی عوامل سرزمینی در دو دسته اختلافات ارضی و اختلافات مرزی تقسیم شده است. منظور از اختلافات ارضی یا سرزمینی، اختلافات در مورد قلمرو و داشتن ادعای سرزمینی نسبت به خاک کشورهای همسایه است. (هادی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۴) حال آنکه اختلافات مرزی در اصل بر سر جایگاه و محل دقیق خط مرزی در خشکی و دریاست.

اختلافات مرزی جنبه اجتناب ناپذیر کنش کشورها در نظام جهانی هستند. از زمان امضای پیمان وستفاليا در اوایل قرن هفدهم میلادی، به تدریج مسئله تعیین دقیق حدود مرز میان کشورها اهمیت یافته است (Muir, 2000: 90). و به لحاظ پیامدهای که برای امنیت داخلی و خارجی کشورها دارند از عوامل مهم تعیین کننده روابط مسالمت آمیز یا برعکس مخاصمت جویانه بین آنها به شمار می‌آیند (Roshandel & Seifzadeh, 2003: 56).



ادعاها و اختلافات سرزمینی که به نوعی می توان انواع مختلف اختلافات مرزی، مالکیت و حاکمیت سرزمینی دولت ها نسبت به یکدیگر به دلیل ایجاد فضای رقابتی در سرزمین مورد ادعا باعث شکل گیری بحران ژئوپلیتیکی می شوند (Valigholizadeh, 2015: 52). در ادامه به برخی از اختلافات مرزی اشاره می کنیم:

الف: اختلاف بر سر مرزهای دریایی و رودخانه ای

۱- درباره مرز دریایی در خلیج سلوا، بین عربستان و قطر؛

۲- درباره مرز دریایی در خلیج فارس و دریایی عمان، بین امارات متحده عربی و عمان؛

۳- درباره مرزهای دریایی بین امارات متحده عربی و عربستان؛

۴- درباره اروند رود، بین ایران و عراق؛

۵- درباره مرز دریایی، بین ایران و کویت؛

۶- درباره مرز دریایی، بین ایران و امارات متحده عربی؛

۷- درباره مرز دریایی، بین بحرین و قطر؛ (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۸)

ب: اختلاف بر سر مرزهای زمینی و تملک جزایر

۱- درباره جزایر تنب و ابوموسی، بین ایران و امارات متحده عربی؛

۲- درباره مرز زمینی در بخش هایی از راس الخیمه و شارجه، بین امارات متحده عربی و عمان؛

۳- بین امارات متحده عربی و قطر؛

۴- بین عراق و کویت، تقریباً درباره تمامی سرزمین کویت؛

۵- بین عربستان و کویت بر سر جزایر قاروه وام المرادیم؛

۶- اختلافات متعدد مرزی بین عربستان و یمن؛

۷- اختلافات بحرین و قطر درباره مجمع الجزایر حواری؛

۸- اختلافات مرزی و ارضی بین هفت عضو امارات متحده عربی که به دوازده مورد می رسد

(جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۳).

ب) اختلافات آبی

آب به عنوان یکی از عوامل کشمکش و بحران در آینده می‌توان اشاره کرد. منازعه بر سر آب می‌تواند بنا به دلایل گوناگون رخ دهد دلیل اول به مالکیت آب بر می‌گردد؛ زیرا برخی آن را یک دارایی مشترک و برخی نیز آن را مالکیت خصوصی خود تلقی می‌کنند. نگرانی‌ها و کشمکش‌ها بر سر خصوصی سازی منابع آب در سطوح مختلف از سطح ملی گرفته تا سطح بین‌المللی به چشم می‌خورد. (Laurie, 2007: 853) دومین دلیلی که در زمینه کشمکش بر سر منابع آب وجود دارد به نادر و کمیاب بودن منابع مربوط می‌شود. هنگامی که منابع آب کمیاب باشد، کشمکش و درگیری بر سر مالکیت و بهره‌برداری از آن تشدید می‌شود. سومین دلیلی که می‌توان در این زمینه مورد اشاره قرار داد به نقش آب در توسعه مربوط می‌شود و نمونه بارز آن ساخت سدهای بزرگ است. (6horbaninejad, 2013: 53)

جنگ برای آب در خاورمیانه

آنچه ناشی از تغییرات اقلیمی است و برای چند سال آینده در کشورهای خاورمیانه برجسته خواهد شد، نزاع بر سر آب است. در برخی مناطق جهان اسلام، مانند خاورمیانه، این نزاع برجسته‌تر خواهد بود؛ چرا که منطقه‌ای مانند خاورمیانه با وجود دارا بودن ۵ درصد جمعیت تنها یک درصد از منابع آب شیرین را در اختیار دارد که این منابع نیز عمدتاً در حوضه‌های آبریز مشترک است. در سال‌های آینده، افزایش جمعیت و تغییر اقلیم به کاهش قابل ملاحظه ذخایر آب و در نهایت، شکل‌گیری بحران‌های هیدروپلیتیکی در خاورمیانه منتهی خواهد شد. به تعبیر روشن‌تر، با توجه به کاهش بارش و تداوم الگوی خشک آب و هوایی در منطقه، بسیاری از کشورهای منطقه در چند سال آینده با کاهش شدید منابع آب روبرو خواهند شد و این به فعال شدن گسل‌های هیدروپلیتیکی در منطقه خاورمیانه و متعاقب آن، افزایش تنش و تضاد در بین کشورهای منطقه خواهد انجامید. جمهوری اسلامی ایران از نظر منابع آبی از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. مناطق جنوب شرقی ایران وابسته به منابع آب ناشی از هیرمند است. احداث سد کمال خان توسط افغانستان خطر کاهش ایران را در پی خواهد داشت و این مسئله در چند سال آینده به مناقشه‌ای جدی میان دو کشور منجر خواهد شد. حوضه رود اردن از دیگر



گسل‌های هیدروپلیتیکی فعال در منطقه خاورمیانه است که در چند سال آینده، خطر تنش و درگیری را به دنبال دارد، این حوضه بین اردن، رژیم اشغالگر قدس، سرزمین‌های اشغالی (کرانه باختری) سوریه، لبنان و مصر مشترک است.

چالش‌های پیش روی منابع آب در کشورهای خاورمیانه
منابع آب در کشورهای خاورمیانه به دلیل سوء مدیریت‌ها و عدم توجه به نیازهای آینده و همچنین شرایط نامساعد ناشی از وضعیت طبیعی این منطقه با چالش‌های فراوانی مواجهند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

- ۱- بهره‌برداری‌های نامطلوب از سازه‌های آبی و تلفات زیاد آبی
- ۲- بهره‌برداری بی رویه از منابع آب زیر زمینی
- ۳- عدم توجه به مدیریت مصرف و فشار بیشتر از توان تولید بر منابع آب
- ۴- پایین بودن راندمان در کلیه مراحل تامین، انتقال و توزیع و تحویل آب
- ۵- آلودگی منابع آب سطحی و زیرزمینی توسط پساب‌ها و فاضلاب‌های تصفیه نشده
- ۶- فقدان تصفیه خانه‌های سنتی و صنعتی کافی
- ۷- عدم رعایت استانداردهای زیست محیطی مناسب برای کیفیت پساب‌های خروجی و پایش دائمی میزان آلاینده‌ها
- ۸- تلفات زیاد آب در شبکه‌های آبرسانی شهری
- ۹- وجود مدیریت بحران به جای مدیریت ریسک
- ۱۰- عدم هماهنگی در اجرا و بهره‌برداری شبکه‌های اصلی و فرعی
- ۱۱- عدم مشارکت زینفعان در بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب
- ۱۲- عدم برنامه ریزی اجرای جهت استفاده از آب‌های مرزی و مشترک که از کشور خارج می‌شود (سبزی و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۳۰).

بحران‌های قومی و مذهبی

بر اساس مطالعه وایمر و سیدرمن، از ۱۹۱۹ تا ۲۰۰۰، جنگ‌ها و خشونت‌های قومی ۴۵ درصد و از ۱۹۹۰ به این سو، ۷۵ درصد از کل منازعات را به خود اختصاص می‌دهد. در همین راستا، مطالعه مرکز پژوهش‌های پیو با موضوع منازعات قومی-مذهبی در جهان، که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۵ به بعد، خشونت‌های قومی-مذهبی در ۳۸ کشور جهان، ۴۸ درصد افزایش پیدا کرده است که ۱۳ کشور غربی هستند (Parker, 2019).

خاورمیانه عربی با دارا بودن کمتر از ۵ درصد جمعیت جهانی، به مهمترین منطقه و کانون تروریسم و خشونت‌های قومی-مذهبی مبدل شده است، به طوری که در یک چهارم این نوع خشونت‌ها در سطح جهانی را به خود اختصاص داده است. بیش تر خشونت‌ها از نوع قومی بوده اند (سردارنیا، ۱۳۹۹: ۹۶).

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جنگ اعراب رژیم سهیونیستی، نبرد مستمر فلسطینی‌ها با اسرائیل، جنگ داخلی لبنان، جنگ داخلی سودان، درگیری کردها و ترک‌ها در ترکیه، تعارض عرب و کورد در سوریه و عراق و تعارض بربرها و عرب‌ها در مراکش از مهمترین مصادیق در این رابطه بوده اند. (Ibrahim, 1998: 229) با وجود همگنی جمعیتی در بخش قابل توجهی از خاورمیانه عربی (اشتراک در عرب بودن)، اما در چند کشور منطقه، عمدتاً غیر شیخ نشینهای خلیج فارس، ۳۵ درصد از جمعیت شان غیر عرب هستند و گروه بندی قومی متمایز از اعراب را تشکیل می‌دهند (Ibrahim, 1998: 230).

مهمترین اقلیت‌های قومی عبارت اند از: کردها، ترکمن‌ها، ارمنی‌ها، ترک‌ها، ایرانی‌ها، قبایل آفریقایی و بربرها که عمدتاً در سوریه، عراق، سودان، تونس، مراکش، الجزایر، لبنان، مصر و تونس ساکن هستند، (سردارنیا، ۱۳۹۹: ۹۷) علاوه بر آن منطقه دارای اقلیت‌های مذهبی شناخته شده‌ای مانند: ۱- شیعیان اثنی عشری، دروزی‌ها، زیدی‌ها، اسمائیلی و علوی‌ها ۲- مسیحیان ارمنی، کاتولیک و ارتدکس یونانی ۳- خوارج ۴- یهودی‌ها، از حیث ترکیب جمعیتی، عرب‌ها (۸۰ درصد)، اقلیت‌های زبانی (۷ و ۱۳ درصد)، اقلیت‌های مذهبی غیر مسلمان (۶ و ۷ درصد)، و



اقلیت‌های مسلمان غیر سنی (عمدتاً شیعیان ۸ و ۸ درصد) از جمعیت جهان عرب را تشکیل می‌دهند (Ibrahim, 1998: 32).

در این منطقه اختلافات سرزمینی و مرزی، شکاف‌های قومی و مذهبی، تعارضات ایدئولوژیک بین چپ‌گرایان و راست‌گرایان، رادیکال‌ها و محافظه‌کاران و بین ملی‌گرایان سکولار با اسلام‌گرایان و دخالت قدرت‌های بزرگ منشأ اختلاف و درگیری بوده‌اند. (JafariValdani, 2009: 18).

لذا در کشورهای عربی، پس از استقلال، با یک پارچه سازی سرزمینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان مهمترین چالش مواجه شدند که این چالش به مراتب شدیدتر از گذشته ادامه دارد. مهمترین گزینه فراروی آن‌ها توسل به ملی‌گرایی بوده اما پراکنش قومیت‌ها و مذاهب و شکاف‌های شدید اجتماعی برخاسته از آن و ملی‌گرایی سرکوب‌گر عرب محور و مبتنی بر مذهب، نتوانست یک پارچگی و پذیرش هویت ملی در اقلیت‌های قومی و مذهبی به دنبال داشته باشد (AbolhassanShiraziet, 2012: 36).

به لحاظ گفتمانی و هویتی، چند منبع بحران و تعارض هویتی در خاورمیانه عربی قابل شناسایی هستند که به نوبه خود در یک سده اخیر، به ویژه در سال‌های پس از بهار عربی منجر به خشونت‌های قومی-مذهبی شده‌اند. این دو منبع عبارت‌اند از:

الف) تعارض اسلام سیاسی با پیروان قومی و مذهبی دیگر

ب) تعارض پان عربیسم با دیگر قومیت‌ها

در اسلام سیاسی رای اصلی مذهب است نه قومیت، آمیزه‌ای از اسلام سیاسی با رنگ و بوی قومی عرب و پان عربیسم در یک سده اخیر به انواع خشونت‌های قومی در منطقه انجامید که پیشتر اشاره شد که جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی، جنگ داخلی لبنان، جنگ تحمیلی و اکنون حملات گروه‌های تکفیری به کردها و مسیحیان و دیگر گروه‌ها از مصادیق بارز هستند. در هر دو گفتمان، دو معیار «امت محور عقیدتی» و «ملت محور قومی» سر منشأ تعارض‌ها و بحران هویت فراگیر بوده‌اند که تاکنون به انواع خشونت‌های خونین انجامیده‌اند که پس از سال ۲۰۱۱ تشدید شده‌اند (Ibrahim, 1998: 234).

جودیت و وات در یک مطالعه پیرامون تنازعات قومی در چهار منطقه جهان از جمله خاورمیانه به این یافته کلی می‌رسند که به چند دلیل، دموکراسی و آزاد سازی سیاسی اولیه به تشدید خشونت‌های قومی انجامید:

- ۱- ایجاد و افزایش آگاهی سیاسی در پیرامون قومی و مذهبی و تحریک عاطفی ناشی از آن
- ۲- رقابت‌های سیاسی به صورت حاصل جمع جبری صفر یا برد - باخت
- ۳- خلاء قدرت پیش آمده فرصتی برای بسیج سیاسی رادیکالی قومی و مذهبی به وجود می‌آورد تا از طریق آن، سهم بیشتری از قدرت سیاسی به دست آورند و گروه مقابل را به حاشیه ببرند (Vorrathetal, 2007: 11).

رقابت و بحران‌های سیاسی میان قدرت‌های منطقه‌ای

۱- رقابت ایران و عربستان در یمن

یمن کشوری در غرب آسیا است که با نگاهی اجمالی و گذرا به ترسیمات جغرافیایی، می‌توان به موقعیت ژئواستراتژیک آن در منطقه واقف شد. در جنوبی غربی یمن و در دهانه دریای سرخ، آب راه باب المندب قرار دارد. این آبراه حیاتی گذر انرژی از خلیج فارس به آمریکا و اروپا را امکان پذیر ساخته و باعث قرار گرفتن یمن در مسیر تجارت بین‌المللی و مرکز ثقل مبادلات انرژی یمن شده است. کشوری با جمعیت بالغ بر ۲۲ میلیون نفر که حدود ۴۰ درصد آن را شیعیان (با اکثریت زیدی) و ۵۵ درصد را اهل سنت (با اکثریت شافعی) تشکیل می‌دهند (Fozl, 2012).

شیعیان زیدی یمن از دیرباز تاکنون نقش مهمی در تحولات داخلی یمن ایفا کرده اند، رهبری جریان زیدی در یمن با جنبش الحوثی است. نام این تشکیلات برگرفته از نام حسین بدرالدین حوثی فرزند علامه صدرالدین حوثی است. حسین حوثی بنیانگذار جنبش انقلابی شیعیان یمن بود که در سال ۱۹۹۱ نقشی تعیین کننده داشت و پس از مدتی در سال ۱۹۹۷ جنبش جوانان مومن را پایه گذاری کرده است وی ارادت عمیقی به انقلاب اسلامی داشت. سید حسین در درگیری‌های سال ۲۰۰۴ با ارتشیان یمنی و پس از سه مقاومت به شهادت رسید. اندیشه‌های ایدئولوژیک حوثی‌ها عمیقاً از افکار و بینش سیدحسین تاثیر می‌پذیرد و رهبر فعلی آن‌ها سید عبدالملک الحوثی برادر



کوچکتر سیدحسین معتقد است که هر چه داریم از برادرم است. حوثی‌ها از سال ۲۰۰۴ اعتراضات علنی خود را آغاز کردند که ماحصل آن وقوع شش جنگ در طی سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ با دولت مرکزی به رهبری علی عبدالله صالح بود (محقق نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۱).

مهمترین عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در یمن

۱- اهمیت تنگه باب المندب

۲- حمایت عربستان از داعش و القاعده

۳- حمایت ایران از حوثی‌های یمن

۲- رقابت ایران و عربستان در عراق

مهمترین عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در عراق

۱- وجود گروه‌های سنس و شیعی در عراق

۲- تروریسم در عراق و قدرت‌گیری گروه‌های شیعی از جمله حشدالشعبی

۳- رقابت ایران و عربستان در سوریه

سوریه به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای که جایگاه ویژه‌ای در معادلات استراتژیک در خاورمیانه دارد، به عنوان عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران، عربستان، ترکیه و رژیم اشغالگر قدس تبدیل شده است.

پس از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ و انقلاب‌های مردمی صورت گرفته در جهان عرب، سوریه دستخوش بی‌ثباتی‌های سیاسی و ناآرامی‌های فزاینده شد، ایران در مقابل معترضان سووری به پشتیبانی از حکومت سوریه پرداخت، از جهت دیگر عربستان سعودی که در طول حیاتش و از میانه سال ۲۰۱۱ به عنوان یک نیروی ضد انقلابی شناخته شده است در خصوص سوریه برخلاف سایر کشورهای عربی دستخوش بی‌ثباتی، از معارضان در برابر حکومت سوریه پشتیبانی کرده است. پشتیبانی عربستان سعودی به عنوان یک پادشاهی محافظه کار از معارضان سوریه، سبب شده که مسئله حضور ایران و عربستان در بحران سوریه بحث برانگیز شود. چرا که ایران و عربستان به رغم اینکه دو دولت موثر و مسلمان در خاورمیانه محسوب می‌شوند، برای پایان دادن به بحران

سوریه وارد همکاری نمی‌شوند (فیروزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۲). بنابراین با افزایش خشونت‌ها در سوریه و ماندن بشار اسد بر مسند قدرت ایران به نحوی توانست پیروز این رقابت باشد.

عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در سوریه

۱- تأکید بر ایدئولوژی و هویت در چارچوب شیعه و سنی

۲- ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه توسط عربستان و تلاش ایران برای حفظ محور مقاومت

۳- اهمیت و جایگاه استراتژیک و ژئوپلیتیک سوریه

نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلیتیکی کشورها از حیث دارا بودن منابع طبیعی و حضور در مرکز رقابت‌های قدرتهای بزرگ نقش مهمی در تشدید بحرانهای بین‌المللی دارد. دولتی که این دو مولفه را دارد در صورتی که با یک بحران داخلی رو به رو شود آن بحران با دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی استعداد فوق‌العاده‌ای برای تشدید و تبدیل شدن به یک بحران بین‌المللی خواهد داشت. بحران سوریه را می‌توان بهترین مثال و نمونه ایده‌آل این مسئله دانست. اگر نگوییم اصلی‌ترین عامل ولی بدون شک یکی از مهمترین عوامل صاف‌بندی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در سوریه و تشدید بحران این کشور موقعیت ژئوپلیتیک و منحصر به فرد سوریه بوده است. در واقع به دلیل موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی سوریه (منابع، مادی، ارزشی و استراتژیک)، این کشور به عرصه رقابت و درگیری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل و بحران این کشور تشدید شد. برجستگی ژئوپلیتیک یک کشور برای تشدید بحران و تبدیل آن به یک بحران بین‌المللی نیازمند دو شاخص اصلی است؛ اول، وقوع بحران در یک منطقه استراتژیک حائز اهمیت برای قدرتهای بزرگ و دوم، وجود منابع طبیعی سرشار در منطقه وقوع بحران. بنابراین بحران‌های ژئوپلیتیک ریشه در جغرافیا و سیاست دارند که به عنوان مهمترین ویژگی آن‌ها شناخته می‌شود. اگر چه بحران‌های بین‌المللی، سیاسی یا اقتصادی ممکن است پیامدهای منفی و بازتاب‌های جهانی داشته باشند. این بحران‌ها با موجودیت کشور در ارتباط نیستند. در حالی که بحران ژئوپلیتیکی می‌تواند موجودیت یک کشور را تحت تاثیر قرار دهد. نتایج و یافته‌های پژوهش پیش روی حاکی از آن است که



بحران‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا تحت تاثیر عواملی همچون رقابت بازیگران درون منطقه ای، بحران‌های سرزمینی، بحران‌های آبی، بحران‌های قومی - مذهبی است.

منابع

الف) فارسی

- اتوتایل، ژرئوید (۱۳۸۰) اندیشه‌های نو در ژئوپلیتیک. تهران. مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- احمدی، سید عباس و حسینی نصرآبادی، نرجس سادات (۱۳۹۵)، وضعیت ژئوپلیتیک شیعه در عصر جهانی شدن. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام. سال ۵. ش ۱۸.
- افضلی، رسول؛ دستجردی، کامران؛ دشتی طالش مکاتیل، محمدحسین (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل پیامدهای ژئوپلیتیکی بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران) دوره جدید، سال چهاردهم، شماره دهم، پاییز.
- بیومونت، پتر و دیگران (بی تا)، خاورمیانه، ترجمه حسین شانه چی، محمود رمضان زاده و علی آخشینی
- پاشایی، لیلان، فرهنگ، احدی، پرویز، یوسفی جویباری، محمد و صمد طهیری (۱۳۹۹)، امنیتی شدن و تأثیر آن در بحران‌های منطقه‌ای (مطالعه موردی عراق)، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۱)، پاییز ۹۹، صص ۹۹۳-۹۷۰.
- جان‌پرور، محسن: صالح آبادی، ریحانه و ساجد بهرامی جاف (۱۳۹۹)، واکاوی و تبیین بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم، شماره چهار، زمستان
- جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱) ژئوپلیتیک نوین شیعه در خاورمیانه و سیاست خارجی ج.ا.ا. فصلنامه ژئوپلیتیک. شماره ۲.

- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴)، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس، تهران، نشر قومس
- حیدری، محمدعلی و رهنورد، حمید. (۱۳۹۰)، (نوعثمان گرایی و سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه با تأکید بر تحولات بهار عربی)، فصلنامه رهنما سیاستگذاری، سال دوم، شماره ۲
- درایسدل، آلاسدایر و جرالند اچ. بلیک (۱۳۸۹)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- دهشیار، سید حسین؛ امین آبادی، سید محمد (۱۴۰۱)، «نقش ژئوپلیتیک در تشدید بحرانهای بین‌المللی (مطالعه موردی: بحران سوریه)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هجدهم، شماره اول.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷) چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی ج.ا.ا. معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی. تهران انتشارات شادان.
- ذکی، یاشار؛ پاشالو، احد (۱۳۹۶)، عملکرد میانجی‌گری جمهوری اسلامی ایران در بحران ژئوپلیتیک قره باغ، جغرافیا، سال پانزدهم، شماره ۵۳، تابستان.
- رئیسی‌نژاد، آرش (۱۴۰۲)، «تنهایی استراتژیک تاریخی ایران و سیاست خارجی غیردولتی: از نفرین جغرافیا تا محمضه ژئوپلیتیکی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۹، شماره ۶۹، صص ۲۶۹-۳۰۶.
- سبزی، خدارحم و همکاران (۲۰۱۰)، بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام (ICIWG)
- سردارنیا، خلیل الله (۱۳۹۹)، خشونت‌های قومی-مذهبی در خاورمیانه عربی از منظر بحران دولت-ملت‌سازی، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم، شماره اول، بهار، صص ۹۴-۱۱۴



- صالح آبادی، ریحانه و جان پرور، محسن و بهرامی جا و ساجد (۱۳۹۹) واکاوی و تبیین بحران‌های ژئوپلیتیک جهان اسلام. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام. دوره ۲، ش ۶.
- عبدی، علی (۱۳۹۰)، فروپاشی حوزه نفوذ آمریکا، پایگاه تحلیلی - تبیینی برهان.
- عظیم زاده اردبیلی، محمد منصور، مسعودنیا، حسین و سید جواد امام جمعه زاده (۱۳۶۹)، سازه انگارانه سیاست خراجی نوین ترکیه و رقابت با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان، صص ۱۳۸-۹۵
- فیروزی، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۹)، رقابت ایران و عربستان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی: پیامدهای آن از خلیج فارس تا دریای سرخ، مجله علوم و فنون دریایی، دثره ۲۰۰، شماره ۳، پاییز.
- قاسمی، حسین. (۱۳۸۸)، سیاست خارجی دولت اسلام گرای ترکیه". ماهنامه معاونت آموزش و پرورش، رویدادها و تحلیل‌ها، سال ۲۹، شماره ۲۹۹
- قدسی، امیر (۱۳۹۰)، تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه تقابل استراتژی‌ها، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان.
- گل کرمی، عابد و کریمی پور، یدالله و متقی، افشین و ربیعی، حسین (۱۳۹۶) تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی ج.ا.ایران با تأکید بر قابلیت‌های ژئواکونومیک. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. سال ۱۷. ش ۴۹.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، سیاست جغرافیایی و جغرافیای سیاسی، تهران؛ انتشارات سمت.
- محرابی، علیرضا (۱۳۹۵) ژئوپلیتیک و قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در هندسه جهانی قدرت. مجموعه مقالات برگزیده همایش جهان در پیچ تاریخی، نقش جمهوری اسلامی ایران در هندسه جهانی قدرت. جلد دوم. مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

- محرابی، علیرضا، قاسم عباسیان (۱۳۹۹)، «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط کشورهای شمال اقیانوس هند بر تدوین سیاست گذاری جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره: ۱۹، شماره ۷۱.
- محمد امین حضرتی رازلیقی؛ جاودانی مقدم؛ مهدی؛ گوهری مقدم، ابوذر (۱۴۰۲)، «چالش‌های ژئوپلیتیکی مذاکرات صلح خاورمیانه با تمرکز بر معامله قرن»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نوزدهم، شماره سوم، صص ۱۵۵-۱۸۶.
- مسعود نیا، حسین، فروغی، عاطفه و مرتضی چلقمانی (۱۳۹۲)، ترکیه و بحران سوریه از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۴.
- نادری، احمد (۱۳۹۳) از ژئوپلیتیک دولت محور به ژئوکالچر تمدن محور، خاورمیانه عرصه نبرد تمدن‌ها. فصلنامه مطالعات قدرت نرم. شماره ۱۰.
- نقدی نژاد، حمید. (۱۳۸۸)، روابط ایران و ترکیه: حوزه‌های همکاری و رقابت. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- نیاکویی، سید امیر، رضاپور، دانیال و ساسان فاضلی (۱۳۹۷)، نظریه نقش و رقابت ایران و ترکیه در خاورمیانه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، تابستان، صص ۲۳-۴۸.
- هاشمی، فاطمه (۱۳۹۰)، امنیت پایدار در خلیج فارس، موانع و سازکارها، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول، بهار، صص ۱۶۷-۱۳۶.

ب) انگلیسی

- Ibrahim, Saad Eddin (1998) Ethnic conflict and Stat – Building in the Arab word International social science Journal Vol.50 issue.156. pp. 229-242
- Jafari Valdani, Asghar (2009) Challenges and conflicts in the Middle East Tehran: Institute for strategic studies-[Inpersian]
- Parker, Kim (2019). Violence and middle east, ASB Institute of policy.

- Abolhassan Shirazi, Habibollah; Ghorbani sheikhNashin, Arsalan; Simbar, Reza (2012), *Politics and Government in the Middle East*, third Edition, Tehran: Samat Publications [In Persian].
- Muir, R., (2000), "Political geography: A new introduction", Translated by Dorreh Mir Heidar and Yahya Safavi, Tehran: Geographical Organization. [In Persian].
- Mushtaq, M., (2009), "Managing ethnic diversity and federalism in Pakistan", *European Journal of Scientific Research*, 33 (2 9): 279-294.
- Roshandel, J, Seifzadeh, S. H., (2003), "Structural conflicts in the persian gulf region", Tehran: Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East.[In Persian]. - Rubinoff, A. G., (2000), "The multilateral implications of ethno-nationalist violence in the South Asia", *South Asian survey*, 7 (2): 273-293.
- Valigholizadeh, A., (2015), "Pattern of recognizing geopolitical crises", Tehran: Center for Strategic Studies. [In Persian].
- Laurie, N., (2007), "Pro-poor Water"? The privatisation and global poverty debate, Special Themed Issue, *Geoforum*, 38 (5): 753-907. [on line]: [https:// www.sciencedirect.com/ Journal/ geoforum/ vol/ 38/ issue/ 5](https://www.sciencedirect.com/Journal/geoforum/vol/38/issue/5).
- Ghorbaninejad, R., (2013), "Finding the pattern of tension based on geopolitical resources", Ph.D. thesis, Tehran university: Human Faculty. [In Persian].
- Bukhari, S, M. H., Riaz, A., (2013), "Ethnic conflicts and south Asian security, Interdisciplinary, *Journal Of Contemporary Research In Business*, 5 (1): 779-794. [In Persian]: <https://journal-archieves32.webs.com/779-794.pdf>.
- Esman, M. J., (2004), "An introduction to ethnic conflict", Cambridge: Cambridge, university.
- Tilly, Ch., (2003), "Priorities for research on conflict in multiethnic country", new york: USA: national academies press.
- 14- Williams, R., (1994), "The sociology of ethnic conflicts: comparative international perspectives", *Annual Review of Sociology*, 20: 49-79. [On line]: [https:// www.jstor.org/ stable/2083359](https://www.jstor.org/stable/2083359)



- Fozi, Y. 2012 .Cause of formation and nature of political movements in middle east, Case of Study: Political Movement in Yemen. Political Studies of Islamic World. 1(1): 17-34. (In Persian)
- Ataie, F., Ghaderi Kangavari, R. and Ebrahimi, N. 2011. Public Diplomacy and Soft Power: Iran and America in the New Iraq. Political Quarterly: Politics Quarterly: Journal of Faculty of Law and Political Science. 41(3): 189-203. (In Persian).
- Saei, A. and Alikhani, M. 2013. A Study of the Conflict Cycle in the Relations between the IR Iran and Saudi Arabia. Quarterly of Political Science. 9(22): 129-153. (In Persian)

Translate References to English

- Autotail, Girvid (2010) New Thoughts in Geopolitics. Tehran. Printing and Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs. (In Persian)
- Ahmadi, Seyyed Abbas and Hosseini Nasrabadi, Narjes Sadat (2015), Shiite geopolitical situation in the age of globalization. Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World. Year 5. Sh. 18. (In Persian)
- Afzali, Rasul; Dastjardi, Kamran; Dashti Talesh Mekail, Mohammad Hossein (2015), investigation and analysis of the geopolitical consequences of the Syrian crisis on the national security of the Islamic Republic of Iran, Geography (scientific-research and international quarterly of the Iranian Geography Association), new period, 14th year, 10th issue, autumn. (In Persian)
- Beaumont, Peter and others (Beta), The Middle East, translated by Hossein Shanahchi, Mahmoud Ramzan Zazeh and Ali Akhshini. (In Persian)
- Pashaei, Lilan, Farhang, Ahadi, Parviz, Yousefi Joybari, Mohammad and Samad Tahiri (2019), Securitization and its impact on regional crises (Iraq case study), Iranian Political Sociology Quarterly, 3rd year, 3rd issue (consecutive) 11), Fall 99, pp. 970-993. (In Persian)
- Jan Prover, Mohsen: Salehabadi, Reihaneh and Sajid Bahrami Jaf (2019), Analyzing and explaining the geopolitical crises of the Islamic world, Quarterly Journal of Fundamental and Applied



- Studies of the Islamic World, second year, number four, winter (In Persian)
- Javadani Moghadam, Mehdi (2012) New Shia geopolitics in the Middle East and foreign policy J.A. Geopolitics Quarterly. Number 2. (In Persian)
 - Jafari Veldani, Asghar (1374), Border Developments and Its Geopolitical Role in the Persian Gulf, Tehran, Qoms Publishing. (In Persian)
 - Heydari, Mohammad Ali and Rahnavard, Hamid. (1390), (Ottomanism and Turkey's Middle East policy with an emphasis on the developments of the Arab Spring)". Policy Guide Quarterly, second year, number 2 (In Persian)
 - Drysdal, Alasdair and Gerald H. Blake (2010), Political Geography of the Middle East and North Africa, Tehran: Office of Political and International Studies. (In Persian)
 - Deshyar, Seyyed Hossein; Amin Abadi, Seyyed Mohammad (1401), "The role of geopolitics in the escalation of international crises) case study: Syria crisis", Geopolitics Quarterly, 18th year, number one. (In Persian)
 - Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2007) A conceptual framework for evaluating the foreign policy of J.A.A. Research Assistant of Islamic Azad University. Tehran, Shadan Publications. (In Persian)
 - Zaki, Yashar; Pashalu, Ahad (2016), the mediation performance of the Islamic Republic of Iran in the geopolitical crisis of Karabakh, Geography, 15th year, number 53, summer. (In Persian)
 - Raisi-Nejad, Arash (1402), "Iran's historical strategic isolation and non-governmental foreign policy: from geography's curse to geopolitical dilemma", Geopolitics Quarterly, Volume 19, Number 69, pp. 269-306. (In Persian)
 - Sabzi, Khodarahm et al. (2010), Water Crisis in the Middle East (Challenges and Solutions), Proceedings of the Fourth International Congress of Geographers of the Islamic World (ICIWG) (In Persian)
 - Sardarnia, Khalilullah (2019), Ethno-religious violence in the Arab Middle East from the perspective of nation-state crisis, Islamic World Fundamental and Applied Studies Quarterly, second year, first issue, spring, pp. 94-114. (In Persian)

- Salehabadi, Reihaneh and Janparvor, Mohsen and Bahramija and Sajid (2019) Analyzing and explaining the geopolitical crises of the Islamic world. Quarterly journal of fundamental and applied studies of the Islamic world. Period 2. No. 6. (In Persian)
- Abdi, Ali (2018), Collapse of America's sphere of influence, Analytical-explanatory evidence base. (In Persian)
- Azimzadeh Ardabili, Mohammad Mansour, Masoudnia, Hossein and Seyed Javad Imam Jumazadeh (1369), Structuralism of Turkey's modern tributary policy and competition with the Islamic Republic of Iran, International Relations Studies Quarterly, 10th year, number 38, summer, pp. 138- 95. (In Persian)
- Firouzi, Gholamreza et al. (2019), Iran and Saudi Arabia's competition in the political, economic and religious fields: its consequences from the Persian Gulf to the Red Sea, Journal of Marine Sciences and Techniques, Deera 200, No. 3, Fall. (In Persian)
- Ghasemi, Hossein. (2008), the foreign policy of the Islamist government of Türkiye". The monthly of the vice-chancellor of education, events and analysis, year 29, number 299. (In Persian)
- Qudsi, Amir (1390), geopolitical developments in the Middle East versus strategies, two quarterly journals of Islamic Awakening Studies, first year, first issue, spring and summer. (In Persian)
- Gol Karmi, Abed and Karimipour, Yadullah and Motaghi, Afshin and Rabiei, Hossein (2016) Explaining the geopolitics of Iran's foreign policy with an emphasis on geoeconomic capabilities. Applied Research Journal of Geographical Sciences. Year 17. Sh. 49. (In Persian)
- Mojtahedzadeh, Pirouz (2011), geographic politics and political geography, Tehran; Side Publications. (In Persian)
- Mehrabi, Alireza (2015) Geopolitics and national power of the Islamic Republic of Iran in the global geometry of power. A collection of selected articles of the world conference at a historical turn, the role of the Islamic Republic of Iran in the global geometry of power. The second volume. Defense Strategic Research Center. (In Persian)

- Mehrabi, Alireza, Qasim Abbasian(2019), "Geopolitical analysis of the relations of the North Indian Ocean countries on the formulation of the policies of the Islamic Republic of Iran", Geopolitics Quarterly, Volume: 19, Number 71. (In Persian)
- Mohammad Amin Hazrati Razlighi; Moghadam Immortality; Mahdi; Gohari Moghadam, Abuzar (1402), "Geopolitical challenges of the Middle East peace negotiations with a focus on the deal of the century", Geopolitics Quarterly, 19th year, number 3, pp. 155-186. (In Persian)
- Massoud Nia, Hossein, Foroghi, Atefeh and Morteza Chalaqmani (2012), Turkey and the Syrian crisis from mediation to supporting the opposition of the government, Islamic World Political Studies Quarterly, No. 4. (In Persian)
- Naderi, Ahmed (2013) From state-oriented geopolitics to civilization-oriented geoculture, the Middle East is the battleground of civilizations. Quarterly Journal of Soft Power Studies. number 10. (In Persian)
- Naqdi Nejad, Hamid. (2008), Iran-Türkiye relations: areas of cooperation and competition. Tehran: Islamic Azad University. (In Persian)
- Niakoui, Seyed Amir, Rezapour, Daniyal and Sasan Fazli (2017), The Theory of the Role and Competition of Iran and Turkey in the Middle East during the Justice and Development Party's rule, Islamic World Political Research Quarterly, 8th year, 2nd issue, summer, pp. 48- 23. (In Persian)
- Hashemi, Fatemeh (2018), Sustainable security in the Persian Gulf, obstacles and mechanisms, Geopolitic Quarterly, 7th year, 1st issue, spring, pp. 136-167. (In Persian)



Analysis of geopolitical crises in the Middle East (case study of West Asia)

Bijan Mirzaei¹

*Assistant professor and faculty member of the political science department of
Islamic Azad University, Khorramabad branch, Lorestan, Iran*

Siavash Bayat

Master student of Islamic Revolution Sociology, Shahid University, Tehran, Iran

Sajjad Soltani Rezaei Sir

*Ph.D. student of Islamic Revolution Political Studies/Islamic Revolution Future Studies,
Shahid University, Tehran, Iran*

Abstract

The study of crises and the analysis of decision-making, policy-making and politics in relation to them in the complex and international transition system are important from various aspects. Understanding and recognizing the roots, causes and factors of the emergence and expansion of crises, their consequences and consequences on the one hand, as well as being aware of the ways of management, policy making and decision-making in the face of crises and tensions. provides a more comprehensive understanding and awareness of the anarchic environment of the international system and can help us to prevent and minimize the negative and destructive effects of crises. Today, the tense, crisis-causing and security environment of the Middle East reflects a series of conflicting phenomena, established political institutions in thirty-one countries of the Middle East have established governments, each of which has a different way to achieve the ideals of statesmen and Citizens follow. In this regard, the present article seeks to answer the main question, "What factors influence the socio-political crisis in West Asia?" The method used in this qualitative research is a descriptive-analytical type and the method of collecting library resources is by extracting files from books, articles, etc. Therefore, the findings of the research indicate that geopolitical crises in the West Asian region are influenced by indicators such as; Competitions of intra-regional actors are territorial crises, water crises and ethno-religious crises.

Keywords: crisis, geopolitics, Middle East, West Asia, ethnic-religious crises

1. Corresponding Author (bizan-mirzaee@khoiau.ac.ir)